

جام جهانی ۲۰۱۸

جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه امروز آغاز شد. فوتبال برای من با جام جهانی ۱۹۸۲ و تیم فوتبال ایتالیا و هنرنمایی دینوزوف و پائولو روسی آغاز گشت. خوب به خاطر دارم که در بازی فینال، ایتالیا، با نتیجه سه بر یک آلمان را شکست داد و قهرمان جام جهانی شد. از همان زمان مهر تیم لاجوردی پوش ایتالیا به دلم افتاد، که «مهر اول کی ز دل بیرون رود» و «حقه مهر بدان نام و نشان است که بود». جام‌های جهانی ۸۶ و ۹۰ نیز در زمره خاطرات دل‌انگیز و فراموش‌نشده فوتبال من اند. در آن ایام، دیگه مارادونا، اعجوبه و جادوگر فوتبال آرژانتینی دهه هشتاد میلادی، روبرتو باگیو، هافبک و فوروارد تکنیکی تیم ایتالیا و فونباستن، فوروارد گلزن هلندی، محبوب‌ترین بازیکنان ام بودند.

اکنون سال‌هاست از آن فضای دوران راهنمایی و دبیرستان فاصله گرفته‌ام و اشتغالات عدیده کاری، مجال چندانی برای تماشا کردن فوتبال برایم بر جای نگذاشته، در عین حال می‌کوشم بازی‌های جام‌های جهانی، خصوصاً مراحل حذفی را از دست ندهم؛ هر چند باید اعتراف کنم جام جهانی بدون حضور ایتالیا، برایم لطف سابق را ندارد. بازی آلمان و ایتالیا در مرحله نیمه‌نهایی جام ۲۰۰۶ که با پیروزی دو بر صفر به نفع ایتالیا به پایان رسید، از لذت‌بخش‌ترین بازی‌های حذفی‌ای بود که طی ده دوازده سال اخیر دیده‌ام.

فوتبال پدیده عجیبی است، از «برساخته‌های اجتماعی» ای است مشحون از هیجان، خلاقیت، هنر فردی، کار تیمی، شانس و اتفاقات پیش‌بینی نشده. حضور ذهن و تمرکز بالا و حرکات خلاقانه با توپ و بدون توپ بازیکنان، بر زیبایی این پدیده استثنایی افزوده است. کسی که خود روزگاری فوتبال بازی کرده و بر ظرایف و دقایق و چم و خم این بازی وقوف دارد و «از دار آشنایی است»، می‌تواند به زمین مستطیلی سبزرنگ و بازیکنان پا به توپ چنان بنگرد که به نوازندگان یک ارکستر موسیقی؛ می‌تواند چنان غرق تماشای یک بازی جذاب شود و لذت برد که از شنیدن یک قطعه موسیقی و یا زمزمه کردن یک شعر لطیف و یا خواندن یک رمان دلکش و یا دیدن یک تئاتر و یا یک فیلم در سالن تئاتر و سینما، سرمست می‌گردد و وقتش خوش می‌شود.

اوقاتی که غرق تماشای فوتبال هستی، از فضای پیرامونی و روزمرگی و روزمرگی و درد و رنجی که ترا در چنبره خود گرفتار کرده، برای دقایق و ساعاتی غافل می‌شوی و طعم فراغت را زیر دندان‌هایت مزه مزه می‌کنی و از خود بدر می‌شوی و در فضایی نامتعارف قرار می‌گیری و مفتون و مسحور خلاقیت و هنرمندی بازیکنانی چون مسی و رونالدینو می‌گردد. در این دنیایی که آکنده از گیر و گرفت و ناکامی و نامرادی و نامردمی و تلخی و سردی و خونریزی و جنگ است و انسان‌های گوشت و پوست و خون‌دار با انواع معضلات و نابسامانی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند، چشم دوختن و زل زدن زن و مرد و خردسال و میان‌سال و کهن‌سال، با پیشینه‌های تربیتی و معرفتی متنوع و رنگارنگ، به زمین چمن مستطیلی سبزرنگ و اتفاقات هیجان‌انگیز و پیش‌بینی‌ناپذیر آنرا در اقصی نقاط این کره خاکی به مدت یک ماه دنبال کردن، دمی ایشان را از رنج هستی می‌رهاند؛ امری که در جای خود خواستنی و دلپذیر و کارآمد است.